

### جمال میرصادقی: پیشگامان ترجمه ادبی اعتبار مترجم را بالا بردند.



در مورد جایگاه مترجم ادبی در ایران باید گفت به دلیل اینکه ترجمه‌های اولیه توسط بزرگان و روشنفکران درجه یکی چون نجف دریابندری و محمد قاضی و محمدعلی فروغی و ... انجام شد مترجمان ادبی از ابتدا جایگاه ویژه و بالایی در فضای ادبی ایران یافتند چرا که اکثر کتابهای اساسی و مهم را این مترجمان به فارسی ترجمه کردند.

نمونه درخشان این گونه مترجمان به آذین است که خود نویسنده بود ولی شهرتش را بیشتر مدیون ترجمه‌هایش است تا داستان‌هایش. بنابراین می‌بینیم که این آدمها اعتبار مترجم را بالا

بردند. اما در حال حاضر به ندرت به چنین مترجمان جریان‌سازی در میان مترجمان ادبی بر می‌خوریم و چنین چهره‌هایی در بین مترجمان کمیاب‌اند.

مترجم انواع دارد. بعضی از مترجمان فوق‌العاده هستند، بعضی متوسط و بعضی ضعیف هستند. اما بعضی از مترجمان امروز سواد امثال دریابندری و به آذین را ندارند. مثلاً به آذین یا محمد قاضی فقط نوع خاصی از کتابها را ترجمه می‌کردند و برای کارشان تعریف مشخصی داشتند. بنابراین بعد از مدتی که در یک حیطه خاصی کار می‌کردند می‌توانستند درباره آن حوزه بخصوص نظر بدهند و نگاه نقادانه داشته باشند. این توانایی است که مثلاً نجف دریابندری دارد چون مترجمی که مدت زیادی در یک حوزه مشخص کار می‌کند طبعاً در آن حوزه تخصص پیدا می‌کند. بنابراین مترجمانی مثل دریابندری یا رضا سیدحسینی صلاحیت این نوع اظهارنظرها را دارند اما در جامعه مترجمین ادبی امروز در ایران مترجمانی هستند که این صلاحیت را ندارند. چون این مترجمان در پی انگیزه‌های اقتصادی دست به ترجمه این یا آن کتاب می‌زنند. و همینکه متوجه می‌شوند فلان کتاب یا فلان نویسنده خارجی پرفروش شده است دست به ترجمه کتابهای او می‌زنند در حالیکه این مترجمان غافل‌اند از اینکه در غرب هم بسیاری از کتابها بی‌دلیل پرفروش می‌شوند و در واقع کتابهای درجه دو و سه در بسیاری مواقع به فروش بالا دست می‌یابند و صرف اینکه فلان کتاب پرفروش شده دلیلی بر ارزش ادبی آن محسوب نمی‌شود. بنابراین صلاحیت مترجمین ادبی در وارد شدن به حیطه نقد به نوع کار آنها برمی‌گردد.